عنوان:

جوسازی رسانه‌ای، مصداق وسواس خناس در جامعه

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | e-m-132 |
| موضوع | منطق/مفهوم و مصداق |
| موضوع مرتبط | صرف/لغت/نحو |
| رده | علمی/علوم عقلی/منطق/تحقیقی پژوهشی/دانش منطق |
| برچسب | وسواس، خناس، جوسازی رسانه ای، مفهوم، مصداق، مقام معظم رهبری |
| توضیحات |  |

امام خامنه ای مدظله‌العالی، مقابله ی دشمن با ایجاد تحول در عرصه های مختلف کشور را مصداقی از وسواس خناس می دانند و در این باره چنین می فرمایند:

یک نکته‌ی دیگر این است که تحوّل کار بسیار دشواری است. گفتنِ به زبان آسان است که تحوّل ایجاد کنید؛ لکن تحوّل در عمل خیلی کار مشکلی است؛ علّت هم این است که مقاومت هایی در مقابل تحوّل هست. بعضی مقاومت ها از روی سوء نیّت نیست؛ بعضی‌ها حال و حوصله‌ی تغییرات بنیانی را ندارند، بعضی‌ها توانش را ندارند، بعضی‌ هم ممکن است از وضع موجود منتفع باشند و نخواهند این وضع، تغییر پیدا بکند؛ البتّه در بیرون دستگاه قضائی هم شبکه‌ی در‌هم‌تنیده‌ی مجرم و مفسد و مانند اینها هم هست که اینها هم قهراً مخالفند؛ پشت سر همه‌ی اینها هم نگاه دستگاه‌های دشمن و معاند با نظام جمهوری اسلامی است که اصلاً‌ هر حرکت اصلاحی در هر جای جامعه‌ی اسلامی اتّفاق بیفتد، اینها ناراحت میشوند، مقابله میکنند، جوسازی میکنند. اینها مخالفینند؛ مخالفین هم آرام نمی‌نشینند.

شما با قوّت، با روحیه، با شجاعت وارد میدان تحوّل میشوید، آنها هم آرام نمی‌نشینند، آنها هم شروع میکنند به مقابله کردن. جوسازی میکنند؛ گاهی اوقات جوسازی‌های رسانه‌ای است، جوسازی‌های پیگیر است، در افکار عمومی مردم وسوسه ایجاد میکنند که واقعاً یکی از مواردِ «مِن شَرِّ الوَسواسِ الخَنّاس» اینجا است.

یکی از کارهایی که میتوانند بکنند این است که عزم راسخ سردمداران تحوّل را متزلزل کنند؛ دائماً مشورتهای گوناگون که «این کار مصلحت نیست»، نگذارند این کار انجام [بشود]. بنابر‌این، مقاومت در مقابل تحوّل، از [جانب] این جناحهای مختلفی که اشاره کردیم فراوان خواهد بود.[[1]](#footnote-1)

سوال اصلی در این فایل، این است که «چگونه جوسازی رسانه ای، یکی از مصادیق وسواس خناس می‌باشد؟»

برای رسیدن به جواب این سوال، ابتدا باید برخی مطالب بررسی شود تا با استفاده از آنها، بتوانیم صدق مفهوم وسواس خناس بر جوسازی رسانه ای را متوجه شویم.

ابتدا «مفهوم» و «مصداق» را تعریف کرده، سپس دو کلمه «الوسواس» و «الخناس» را در آیه شریفه «مِن شَرِّ الوَسواسِ الخَنّاسِ[[2]](#footnote-2)» از جهت معنا بررسی کرده و پس از آن، نظر امام خامنه ای مدظله العالی را درباره مصداق این کلمات بررسی می کنیم.

مفهوم

مؤلف کتاب دانش منطق، در تعریف و اقسام مفهوم چنین می‌نویسد:

هر صورتی که در ذهن وجود دارد. صورتی که چون آینه نشان دهنده حقیقتی است؛ خواه این صورت به سبب لفظ در ذهن تحقق یابد، یا با مشاهده وجود خارجی شیء و یا به گونه دیگر.

بر دو قسم است:

* مفهوم کلی: مفهومی که بر بیش از یک مصداق، قابل صدق است؛ مانند انسان و اقیانوس.
* مفهوم جزئی: مفهومی که تنها بر یک مصداق، قابل صدق است؛ مانند: علی، ایران، مشهد.

مصداق

همچنین وی در تعریف مصداق چنین می‌نویسد:

آنچه مفهوم بر آن صدق می کند؛ مثلا «محمد» و «علی» که مصداق مفهوم «انسان» هستند. به عبارت دیگر، لفظ حاکی از مفهوم و مفهوم حاکی از مصداق است.

باید دانست مصداق یک مفهوم، گاه حقیقتی خارج از ذهن است؛ مثل مفهوم انسان که مصادیق آن، مانند «محمد» و «علی» در خارج ذهن هستند و گاه افراد مفهوم فقط در ظرف ذهن تحقق دارند؛ مانند «مفهوم کلی» و «تصور» و «تصدیق».

معنای وسواس

در مفردات الفاظ قرآن(صفحه 869) درباره معنای این واژه چنین آمده است:

الْوَسْوَسَةُ: الخطرةُ الرّديئة. و أصله من الْوَسْوَاسِ و هو صوت الحلي، و الهمس الخفيّ.

يقال لهمس الصّائد وَسْوَاسٌ.

 وَسْوَسَة: انديشه زشت و ناروا كه اصلش از وَسْوَاس- كه عبارت از صداى روشن و آهنگ خفى و آرام است. روش آرام و صداى كوتاه و آهسته شكارچى را هم- وَسْوَاس مى‏گويند.[[3]](#footnote-3)

در قاموس قرآن(ج‏7، ص: 219)، درباره معنای این واژه چنین آمده است:

وَسوَسَ: وسوسه بمعنى حديث نفس است يعنى كلامی كه در باطن انسان‏ ميشود. خواه از شيطان باشد يا از خود انسان.

 در مجمع فرموده: وسوسه با صداى آهسته بسوى چيزى خواندن است. «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطانُ لِيُبْدِيَ لَهُما ما وُورِيَ عَنْهُما»[[4]](#footnote-4)

 «وَسْوَسَ له» يعنى نصيحت و خير خواهى بنظر او آورد ولى «وَسْوَسَ اليه» يعنى معنا را با صوت خفى باو القاء كرد (مجمع).

شيطان به آن دو وسوسه كرد تا آنچه از عورتشان پنهان بود بر آنها آشكار كند.

«وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ وَ نَعْلَمُ ما تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ‏[[5]](#footnote-5)»

 ما انسان را خلق كرده‏ايم و ميدانيم آنچه را كه باطنش با او سخن ميگويد (از افكارش اطلاع داريم).

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ. مَلِكِ النَّاسِ. إِلهِ النَّاسِ. مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ. الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ. مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ‏[[6]](#footnote-6)

 وسواس، افكار بى‏فائده و مضرّى است كه بذهن خطور ميكند (افكار باطل). در جوامع الجامع فرموده: «الْوَسْوَسَةُ و الْوَسْوَاسُ: الصّوت الخفىّ».

يعنى: بگو پناه ميبرم بپروردگار مردم، معبود مردم، حكمران مردم. (آرى پروردگار خداست، معبود خداست، پادشاه خداست) از ضرر فكر باطل و مخفى كه در سينه‏هاى مردم سخن ميگويد. و آن گاهى از طرف جنّ و شياطين است كه در دل پيدا ميشود و گاهى از جانب مردم.

افكار باطله كه منشأ كارهاى باطل و حرام‏اند گاهى از جانب شياطين بقلب القاء ميشود و گاهى از مردمان ناپاك در هر صورت فقط پناه بردن بخدا از شرّ آنها مصون ميدارد.

در کتاب العین) ج‏7، ص: 335) درباره معنای واژه وسواس چنین آمده است:

الْوَسْوَسَةُ: حديث النفس.

 الْوَسْوَاسُ: الصوت الخفي من ريح تهز قصبا و نحوه و به يشبه صوت الحلي.

 قال الأعشى: تسمع للحلي وَسْوَاساً إذا انصرفت كما استعان بريح عِشْرِقٍ زَجِلٌ‏[[7]](#footnote-7)

و تقول: وَسْوَسَ إلیَّ، و وَسْوَسَ في صدْرِي، و فلان مُوَسْوَسٌ، أي: غلبت عليه الوَسْوَسَةُ.

الْوَسْوَاسُ: اسم الشيطان، في قوله [تعالى‏]: مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ‏.

در تفسیر نمونه(ج‏27، ص: 472)، درباره معنای این واژه چنین آمده:

واژه" وسواس" به گفته" راغب" در" مفردات" در اصل صداى آهسته‏اى است كه از به هم خوردن زينت آلات برمى‏خيزد! سپس به هر صداى آهسته گفته شده، و بعد از آن به خطورات و افكار بد و نامطلوبى كه در دل و جان انسان پيدا مى‏شود، و شبيه صداى آهسته‏اى است كه در گوش فرو مى‏خوانند اطلاق گرديده.

" وسواس" معنى مصدرى دارد، ولى گاهى به معنى" فاعل" (وسوسه‏گر) نيز مى‏آيد، و در آيه مورد بحث به همين معنى است.

ابن عاشور در تفسیر التحریر و التنویر(ج‏30، ص: 555) مینویسد:

 الْوَسْواسِ: المتكلم بالوسوسة، و هي الكلام الخفيّ.

 قال رؤبة يصف صائدا في قترته: وسوس يدعو مخلصا ربّ الفلق فالوسواس اسم فاعل و يطلق الوسواس بفتح الواو مجازا على ما يخطر بنفس المرء من الخواطر التي يتوهمها مثل كلام يكلم به نفسه قال عروة بن أذينة:

 و إذا وجدت لها وساوس سلوة شفع الفؤاد إلى الضمير فسلّها

و التعريف في الْوَسْواسِ، تعريف الجنس و إطلاق الْوَسْواسِ على معنييه المجازي و الحقيقي يشمل الشياطين التي تلقي في أنفس الناس الخواطر الشريرة، قال تعالى:« َوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطانُ[[8]](#footnote-8)» و يشمل الوسواس كل من يتكلم كلاماً خفياً من الناس و هم أصحاب المكائد و المؤامرات المقصود منها إلحاق الأذى من اغتيال نفوس أو سرقة أموال أو إغراء بالضلال و الإعراض عن الهدى، لأن شأن مذاكرة هؤلاء بعضهم مع بعض أن تكون سرا لئلا يطلع عليها من يريدون الإيقاع به، و هم الذين يتربصون برسول اللّه صلى اللّه عليه و سلم الدوائر و يغرون الناس بأذيّته.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان(ج‏20، ص: 397) می فرمایند:

قوله تعالى: «مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ» قال في المجمع،: الوسواس حديث النفس بما هو كالصوت الخفي انتهى فهو مصدر كالوسوسة كما ذكره و ذكروا أنه سماعي و القياس فيه كسر الواو كسائر المصادر من الرباعي المجرد و كيف كان فالظاهر كما استظهر أن المراد به المعنى الوصفي مبالغة، و عن بعضهم أنه صفة لا مصدر[[9]](#footnote-9).

**با توجه به معانی ذکر شده در لغت نامه ها و تفاسیر برای واژه وسواس، قدر مشترک جامع برای این کلمه بدین صورت است:**

* به معنای کسی است که افکار باطل و منفی را به صورت مخفی و نامحسوس در ذهن انسان ها القا می کند. مصدرِ به معنای وصفی است و میخواهد شدت این فعل را نشان دهد. مانند مثال «زیدٌ عدلٌ» که زید در این مثال، عادل است ولی چنان عدالت از او صادر می شود که کأنّه خود عدالت است. در این مثال هم شیاطین چنان افکار پلید و باطل را به صورت مخفی در دل انسان ها القا می کنند که کانّه خود آن وسوسه هستند.

معنای خناس

در قاموس قرآن)ج‏2، ص: 308)، درباره معنای این واژه چنین آمده است:

خنس: كنار رفتن. واپس ماندن. پنهان شدن. فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوارِ الْكُنَّسِ وَ اللَّيْلِ إِذا عَسْعَسَ وَ الصُّبْحِ إِذا تَنَفَّسَ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ‏. تكوير: 15- 19.

معناى اوّلى خنس و خنوس در قاموس و صحاح و تفسير بيضاوى و كشّاف ذيل سوره ناس، تاخّر و واپس ماندن ذكر شده است.

در مجمع البيان ميگويد: خمس و كنس هر دو در اصل بمعنى ستر و پوشاندن است شيطان را خنّاس گويند كه هنگام ياد خدا كنار ميرود و پنهان ميگردد و در تفسير سوره النّاس فرموده: خنوس پنهان شدن بعد از ظهور است.

خلاصه آنكه: خنس و خنوس بمعنى كنار رفتن، واپس ماندن و پنهان شدن است و اين معانى قريب بهم‏اند.

در باره خنّاس گفته‏اند نام شيطان است كه چون خدا ياد شود منقبض و نهان ميگردد. ولى ناگفته نماند: خنّاس در آيه شريفه صفت وسواس است قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ... مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ‏

 وسوسه در سينه و قلب آدمى است و بسيار بسيار مخفى و نهان است كه آدمى كمتر وجود آنرا حسّ ميكند. لذا بايد گفت خنّاس بمعنى سخت نهان و صفت وسوسه است نه صفت شيطان‏

آرى در ذيل سوره فرموده كه اين وسوسه از جنّ و مردم بقلب آدمى راه پيدا ميكند. معنى آيات چنين است: بگو پناه ميبرم بپروردگار مردم ... از شرّ وسوسه كه بسيار نهان و پوشيده است و در سينه‏هاى مردم رفت و آمد ميكند. و وسواس اسم وسوسه و جمع آن وساوس است و صفت نيست.

در مجمع البحرین) ج‏4، ص: 67) درباره معنای این واژه چنین آمده است:

 فِي تَفْسِيرِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ‏:

اسْمُ الشَّيْطَانِ الَّذِي هُوَ فِي صُدُورِ النَّاسِ يُوَسْوِسُ فِيهَا يُؤْيِسُهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَ يَعِدُهُمْ الْفَقْرَ وَ يَحْمِلُهُمُ عَلَى الْمَعَاصِي وَ الْفَوَاحِشِ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى الشَّيْطانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشاءِ.

وَ عَنِ الصَّادِقِ ع" مَا مِنْ قَلْبٍ إِلَّا وَ لَهُ أُذُنَانِ عَلَى إِحْدَاهُمَا مَلَكٌ مُرْشِدٌ وَ عَلَى الْأُخْرَى شَيْطَانٌ مُفْتَرٍ هَذَا يَأْمُرُهُ وَ هَذَا يَزْجُرُهُ، وَ كَذَلِكَ مِنَ النَّاسِ شَيْطَانٌ يَحْمِلُ عَلَى الْمَعَاصِي كَمَا يَحْمِلُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْجِنِّ".

وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ أَنَّهُ قَالَ:" الشَّيْطَانُ عَلَى قَلْبِ ابْنِ آدَمَ، لَهُ خُرْطُومٌ مِثْلُ خُرْطُومِ الْخِنْزِيرِ، يُوَسْوِسُ لِابْنِ آدَمَ أَنْ أَقْبِلْ عَلَى الدُّنْيَا وَ مَا لَا يُحِلُّ اللَّهُ، فَإِذَا ذَكَرَ اللَّهَ خَنَسَ"

راغب در مفردات الفاظ قرآن(ص: 300) میگوید:

قوله تعالى: مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ‏

 أي: الشيطان الذي يَخْنُسُ، أي: ينقبض إذا ذكر اللّه تعالی

در تفسیر نمونه(ج‏27، ص: 473) توضیح واژه را اینگونه مینویسد:

" خناس" صيغه مبالغه از ماده" خنوس" (بر وزن خسوف) به معنى جمع شدن و عقب رفتن است، اين به خاطر آن است كه شياطين هنگامى كه نام خدا برده مى‏شود عقب نشينى مى‏كنند، و از آنجا كه اين امر غالبا با پنهان شدن توأم است اين واژه به معنى" اختفاء" نيز آمده است.

بنا بر اين مفهوم آيات چنين است:" بگو من از شر وسوسه‏گر شيطان صفتى كه از نام خدا مى‏گريزد و پنهان مى‏گردد به خدا پناه مى‏برم".اصولا" شياطين" برنامه‏هاى خود را با مخفى كارى مى‏آميزند، و گاه چنان در گوش جان انسان مى‏دمند كه انسان باور مى‏كند فكر، فكر خود او است، و از درون جانش جوشيده، و همين باعث اغوا و گمراهى او مى‏شود! كار شيطان تزيين است و مخفى كردن باطل در لعابى از حق، و دروغ در پوسته‏اى از راست، و گناه در لباس عبادت، و گمراهى در پوشش هدايت.

جناب ابن عاشور در التحریر و التنویر(ج‏30، ص: 555 و 556) می نگارد:

و الْخَنَّاسِ: الشديد الخنس و الكثيرة. و المراد أنه صار عادة له. و الخنس و الخنوس: الاختفاء. و الشيطان يلقب ب الْخَنَّاسِ لأنه يتصل بعقل الإنسان و عزمه من غير شعور منه فكأنّه خنس فيه، و أهل المكر و الكيد و التختل خنّاسون لأنهم يتحينون غفلات الناس و يتسترون بأنواع الحيل لكيلا يشعر الناس بهم.

فالتعريف في الْخَنَّاسِ على وزان تعريف موصوفه، و لأن خواطر الشر يهم بها صاحبها فيطرق و يتردد و يخاف تبعاتها و تزجره النفس اللّوامة، أو يزعه وازع الدين أو الحياء أو خوف العقاب عند اللّه أو عند الناس ثم تعاوده حتى يطمئن لها و يرتاض بها فيصمم على فعلها فيقترفها، فكأنّ الشيطان يبدو له ثم يختفي، ثم يبدو ثم يختفي حتى‏ يتمكن من تدليته بغرور.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان(ج‏20، ص: 397) چنین می فرمایند:

و الخناس صيغة مبالغة من الخنوس بمعنى الاختفاء بعد الظهور قيل: سمي الشيطان خناسا لأنه يوسوس للإنسان فإذا ذكر الله تعالى رجع و تأخر ثم إذا غفل عاد إلى وسوسته.[[10]](#footnote-10)

**با توجه به معانی ذکر شده در لغت نامه ها و تفاسیر برای واژه وسواس، قدر مشترک جامع برای این کلمه بدین صورت است:**

* خناس، اسم مبالغه از ماده خنوس است و به معنای ظهور بعد از اختفاء می باشد و اشاره به شدت و کثرت اختفا دارد. در اینجا صفت برای وسواس است. شيطان را از اين جهت خناس میگویند كه به طور مداوم آدمى را وسوسه مى‏كند، و به محضى كه انسان به ياد خدا مى‏افتد پنهان مى‏شود و عقب مى‏رود، باز همين كه انسان از ياد خدا غافل مى‏شود، جلو مى‏آيد و به وسوسه مى‏پردازد.

**به تبیین انطباق مفهوم وسواس خناس بر جوسازی رسانه ای برمی گردیم:**

مقام معظم رهبری، مقابله ی دشمن با ایجاد تحول در عرصه های مختلف کشور را مصداقی از وسواس خناس می دانند و در این باره می فرمایند:

یک نکته‌ی دیگر این است که تحوّل کار بسیار دشواری است. گفتنِ به زبان آسان است که تحوّل ایجاد کنید؛ لکن تحوّل در عمل خیلی کار مشکلی است؛ علّت هم این است که مقاومت هایی در مقابل تحوّل هست. بعضی مقاومت ها از روی سوء نیّت نیست؛ بعضی‌ها حال و حوصله‌ی تغییرات بنیانی را ندارند، بعضی‌ها توانش را ندارند، بعضی‌ هم ممکن است از وضع موجود منتفع باشند و نخواهند این وضع، تغییر پیدا بکند؛ البتّه در بیرون دستگاه قضائی هم شبکه‌ی در‌هم‌تنیده‌ی مجرم و مفسد و مانند اینها هم هست که اینها هم قهراً مخالفند؛ پشت سر همه‌ی اینها هم نگاه دستگاه‌های دشمن و معاند با نظام جمهوری اسلامی است که اصلاً‌ هر حرکت اصلاحی در هر جای جامعه‌ی اسلامی اتّفاق بیفتد، اینها ناراحت میشوند، مقابله میکنند، جوسازی میکنند. اینها مخالفینند؛ مخالفین هم آرام نمی‌نشینند.

شما با قوّت، با روحیه، با شجاعت وارد میدان تحوّل میشوید، آنها هم آرام نمی‌نشینند، آنها هم شروع میکنند به مقابله کردن. جوسازی میکنند؛ گاهی اوقات جوسازی‌های رسانه‌ای است، جوسازی‌های پیگیر است، در افکار عمومی مردم وسوسه ایجاد میکنند که واقعاً یکی از مواردِ «مِن شَرِّ الوَسواسِ الخَنّاس» اینجا است.

یکی از کارهایی که میتوانند بکنند این است که عزم راسخ سردمداران تحوّل را متزلزل کنند؛ دائماً مشورتهای گوناگون که «این کار مصلحت نیست»، نگذارند این کار انجام [بشود]. بنابر‌این، مقاومت در مقابل تحوّل، از [جانب] این جناحهای مختلفی که اشاره کردیم فراوان خواهد بود.[[11]](#footnote-11)

مقام معظم رهبری درباره حرکت رسانه ای دشمن، نیز می فرمایند:

«یک نقطه‌ی دیگر از عرصه‌های درگیری، فهم درست واقعیّتهای ایران و جهان است. اینکه شما فهم درستی از واقعیّتهای کشورتان داشته باشید، به ضرر آنها است؛ با این مخالفند، با این مبارزه میکنند؛ با چه ابزاری؟ با ابزار بسیار خطرناک رسانه، بخصوص رسانه‌هایی که امروز نوپدید است. با تصویرسازی غلط سعی میکنند افکار ملّت ایران را منحرف کنند؛ هم تصویر غلط درباره‌ی ایران، هم تصویر غلط درباره‌ی خودشان، هم تصویر غلط درباره‌ی اوضاع منطقه[[12]](#footnote-12).»

«یک مسئله‌ی تصویرسازی دشمن هم هست؛ الان یک جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای بسیار تندی علیه ما وجود دارد، درست مثل جنگ تحمیلی. الان امکانات تبلیغاتی و رسانه‌ای ‌ما در مقابل دشمن، مثل امکانات آن روز ما است در مقابل دشمن؛ البتّه آن روز ما غلبه کردیم بر دشمن، امروز هم غلبه خواهیم کرد؛ بدون تردید غلبه خواهیم کرد، امّا وضع این است. با آن امکانات وسیع، مهم‌ترین کاری که دشمن میخواهد بکند تصویرسازی غلط از وضع کشور است؛ نه‌فقط برای اغوای افکار عمومی دنیا بلکه حتّی برای اغوای افکار عمومی داخل خود کشور؛ حتّی داخل خود کشور! یعنی حرف میزنند برای اینکه بنده و جنابعالی که خودمان در این فضا داریم تنفّس میکنیم، چیز دیگری فرض کنیم غیر از آن واقعیّتی که وجود دارد[[13]](#footnote-13).»

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد، مقام معظم رهبری، جوسازی رسانه ای دشمن در مقابل ایجاد تحول و حرکت اصلاحی کشور را جزء مصادیقِ مفهومِ «وسواس خناس» شمردند.

یعنی دشمن با استفاده از جوسازی رسانه ای، در افکار عمومی مردم به صورت نامحسوس، القاء باطل میکند و نسبت به حرکت اصلاحی کشور و تحول، دائماً به وسوسه (با معنایی که ذکر شد) میپردازد.

یکی دیگر از خصوصیات رسانه دشمن، این است که خودش را بطور صریح در منظر نگاه مردم قرار نمیدهد و دائماً در ظهور و خفاء است تا اینکه مردم نتوانند درست تشخیص دهند.

بنابراین آنچه در **وسواس خناس** قابل دقت است، دو نکته است:

1. افکار باطل و منفی را به صورت مخفی و نامحسوس در ذهن انسان ها القا می کند.
2. خودش نیز در حال ظهور و خفا است؛ یعنی اینگونه نیست که همیشه جلوی چشم باشد.

جوسازی رسانه‌ای دشمن نیز (با توجه به رصد دقیق آنها) همینگونه است. لذا افکار عمومی مردم را تحت تأثیر خود قرار میدهد و نوع مردم توان شناخت حق از باطل را ندارند.

در این توضیح می بینیم که یک فقیه، چگونه از یک آیه در مدیریت سیاسی اجتماعی کشور استفاده میکند و تنبه میدهد.

اینکه گفته میشود دین در امور کشورداری نمیتواند پاسخگو باشد، سخنی بی پایه است و این نمونه که ذکر شد، یک مشت از خروار است.

1. - بیانات در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه- 07/04/1399 [↑](#footnote-ref-1)
2. - آیه 4 سوره مبارکه الناس [↑](#footnote-ref-2)
3. - این قسمت در ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قران، جلد 4، صفحه 451 آمده است. [↑](#footnote-ref-3)
4. - آیه 20 سوره مبارکه الاعراف [↑](#footnote-ref-4)
5. - آیه 16 سوره مبارکه ق [↑](#footnote-ref-5)
6. - سوره مبارکه الناس [↑](#footnote-ref-6)
7. 1- ديوانه ص 55. [↑](#footnote-ref-7)
8. 1- سوره مبارکه طه آیه 120 [↑](#footnote-ref-8)
9. 2- در مجمع البيان، آمده كه كلمه" وسواس" به معناى حديث نفس است، به نحوى كه گويى صدايى آهسته است كه بگوش مى‏رسد، و بنا به گفته وى كلمه" وسواس" مانند كلمه" وسوسه" مصدر خواهد بود، و ديگران آن را مصدرى سماعى و بر خلاف قاعده دانسته‏اند، چون قاعده اقتضا مى‏كرد" واو" اول اين كلمه به كسره خوانده شود، هم چنان كه حرف اول مصدر ساير افعال چهار حرفى به كسره خوانده مى‏شود. مثلا مى‏گويند:«دحرج، يدحرج، دحراجا و زلزل، يزلزل زلزالا».

به هر حال ظاهر اين آيه- همانطور كه ديگران نيز استظهار كرده‏اند- اين است كه: مراد از اين مصدر معناى وصفى است، كه مانند جمله" زيدٌ عدلٌ- زيد عدالت است" به منظور مبالغه به صيغه مصدر تعبير شده است.( ترجمه تفسير الميزان، ج‏20، ص: 689) [↑](#footnote-ref-9)
10. - و كلمه" خناس" صيغه مبالغه از مصدر" خنوس" است كه به معناى اختفاى بعد از ظهور است. بعضى گفته‏اند: شيطان را از اين جهت خناس خوانده كه به طور مداوم آدمى را وسوسه مى‏كند، و به محضى كه انسان به ياد خدا مى‏افتد پنهان مى‏شود و عقب مى‏رود، باز همين كه انسان از ياد خدا غافل مى‏شود، جلو مى‏آيد و به وسوسه مى‏پردازد. (ترجمه تفسير الميزان، ج‏20، ص: 689) [↑](#footnote-ref-10)
11. - بیانات در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه- 07/04/1399 [↑](#footnote-ref-11)
12. - همایش 100 هزارنفری بسیجیان در ورزشگاه آزادی- 12/07/97 [↑](#footnote-ref-12)
13. - دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی-25/07/97 [↑](#footnote-ref-13)